

منافع ملی و مطبوعات محلی

احسان هوشمند

عاملی در پاره نمودن رشته های مهر و عواطف انسانی و روابط اجتماعی این مردمان در جای جای این سرزمین نبوده است که شواهد بیشماری برایین مدعا می توان یافت. این تنوع زبانی و مذهبی (با تساهل = تنوع قومی) گذشته از زیبایی ویژه و خاص خود که هر ناظری رابه حیرت فرا خواهد خواند و پتانسیل پذیرش هزاران گردشگر داخلی و خارجی را در خود دارد (وافسوس از این همه بی توجهی!) خود می تواند و می توانست زمینه سازدها و وسدها و بلکه هزاران مطالعه مردم شناختی و جامعه شناختی باشد! و البته توجه عمیق به این تنوع قاعدتاً زمینه ساز توجه عمیق تر به منافع ملی ما در کوتاه مدت و بلند مدت بوده خواهد بود.

از منظری دیگر مسئله گروه های زبانی و مذهبی (قومی) حائز اهمیت و دقت بیشتری می باشد. همسایگی مناطقی از کشورهای عراق، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان و پاکستان با آن بخش هایی از ایران که برخی ویژگی های مشترک فرهنگی هم چون زبان و گویش با یکدیگر (آن سوی مرز) دارند. مثلاً کردهای ایرانی در این سوی مرز در غرب ایران و کردهای عراق و ترکیه، در آن سوی مرز و در مشرق آن کشورها و... با این اوصاف آیا این مشترکات فرهنگی و زبانی بین مردمان دوسوی مرز فی نفسه خود موجب نگرانی های امنیتی است؟ آیا این اشتراکات فرهنگی و اجتماعی مردمان دوسوی مرز در معارضه با منافع ملی کشور ما ایران است؟ و بنابراین آیا وجود اقوام متعدد در سرزمین و کشورمان ایران خود می تواند به لحاظ منافع ملی نگرانی زا باشد؟ به خصوص اگر توجه نمایم که در برخی مناطق (هم چون کردستان ایران) هراز گاهی برخی گروه ها و احزاب سیاسی زمزمه های مرکزگرای راطرح و تعقیب نموده اند. آیا براین نگرانی ها افزوده نمی شود؟ آیا در اوضاع و احوال کنونی جهان، منطقه و کشور زمینه های بسط نگرانی تشدید می گردد؟ آیا توجه به مطبوعات محلی آن هم در شرایط کنونی نمی تواند برگسترش این چالش ها موثر واقع شود؟ و اصولاً آیا ضرورتی برای توجه به مطبوعات محلی می توان یافت؟

پاسخ به یکایک سئوالات مطروحه، خود نیازمند پژوهش ها و بررسی های چند جانبه ی گسترده و متعددی است تا بتوان با این چالش به صورت منطقی و واقع بینانه برخورد نمود.

بیش از نیم قرن از اولین جنبش سیاسی مرکز گریز برخی احزاب کرد در ایران می گذرد و هم زمان با شکل گیری و استمرار حیات اولین حزب مرکز گریز در مناطق کردنشین ایران و حتی بیش از آن جنبش های تجزیه طلب و یا فدرالی گرا در میان کردهای کشورهای ترکیه و عراق شکل گرفته و به نحو گسترده ای به فعالیت سیاسی پرداخته اند. تا جاییکه برخی از محققان به تاثیرات شدید فعالیت های مرکز گریز کردان عراقی و ترکیه بر جهت گیری

سرزمین پهناور ایران جایگاه شگفتی ها، زیبایی ها و توانمندی های بالقوه و بی نظیری در خاورمیانه، آسیا و سایر نقاط جهان می باشد. تاریخ و تمدنی دیرین، مردمی با فرهنگ متکثر و پر رمز و راز، سرزمینی پر از نعمات و ذخایر و منابع متعدد حیاتی، و طبیعتی متنوع و پر جاذبه و سحرانگیز و... جلوه هایی از این شگفتی ها و زیبایی هاست و در این میان یکی از جلوه های زیبایی این سرزمین تنوع زبان و گاه مذهب مردمی است که افتخار خود را «ایرانی بودن» می دانند.

آذری، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و فارس بودن گرچه خود موجب پاره ای اختصاصات فرهنگی و زبانی و مذهبی برای این مردمان گشته، اما هیچگاه



احزاب کرد ایران پرداخته اند.

اگر جنبش سیاسی کردان ایرانی (در قالب فعالیت حزب دمکرات کردستان ایران) به صورت مقطعی و تنها در یکی دو دوره ی خاص زمانی (دهه ی ۲۰ و سال های پایانی دهه ی پنجاه و اوایل دهه ی شصت) و آنها هم بدون حمایت گسترده و متداوم همه ی کردان ایرانی و به سایر دلایل سیاسی و نظامی

توانسته بر فراگیری اهداف وایدنولوژی خود صحه بگذارد، اما در کشور عراق ودر همین اواخر در کشور ترکیه فعالیت احزاب متعدد کرد گسترش و عمق بیشتری یافته است و البته این وضعیت، در همان دو مقطع بر وضعیت سیاسی کردان ایرانی نیز خالی از تاثیر نبوده است.

افزون بر آن سیاست های خاص رژیم پهلوی در گسترش مبارزه با نظام های طایفه ای - عشیره ای (ایلات و عشایر) و عدم توجه به تنوع فرهنگی میان گروه های زبانی - مذهبی ساکن در ایران به عنوان عاملی دیگر در جهت ایجاد فاصله میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان و نهایتاً تقویت گریشات قومی و ناسیونالیسم قومی در ایران موثر بوده است.

دخالت دول غربی در گسترش قوم گرایی در منطقه نیز بر کسی پوشیده نیست. این دخالت ها یا به صورت مستقیم و یا حمایت از گروه های معارض کرد در منطقه نمود یافته (همچون حمایت از دو گروه عمده اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق یا گروه اوجالان در ترکیه توسط یونانی ها) و یا به شکل حمایت های حقوقی در قالب حقوق بشر و سازمان های حقوق بشر فعلیت یافته است تا جائیکه در برخی از کشورهای اروپایی گذشته از تاسیس رشته های تحصیلی زبان کردی (هم چون سوئد و آلمان و ...) حتی به تاسیس انجمن های حمایت و دوستی با کردها همت گمارده اند که نمونه اخیر را در کشور فرانسه

و به ریاست خانم میتران (همسر رئیس جمهور اسبق فرانسه) می توان مشاهده نمود.

راه اندازی ۳ شبکه تلویزیونی ماهواره ای توسط دو گروه عمده، معارض کرد عراقی و نیز حزب P.K.K (گروه کردهای شورشی ترکیه) به نام میدیا و نیز ده ها شبکه تلویزیونی و رادیویی که بیشتر آنان در مناطق کردنشین ایران قابل دریافت هستند، و همچنین نشریات متعدد در ترکیه و عراق مانند ولات، نوبهار در ترکیه که اولی توسط گروه اوجالان منتشر می شود و نیز نشریات رامان، برایه تی، یه ک بیون، ده نگه ی ملله ت، بیرنوی، هه ولیر، قهلات، مه ده نیهت، نافرته، یه کگرتوو، گولان و سه نته ری برایه تی در اربیل و نشریات

سه رده م، ناینده، گه لایوژی نوی، نقار، خاک، کوردستانی نوی، سه تته ری نیونه ته ووه ی، گوتار و هزر در سلیمانیه و سایر نشریات کردی منتشر در اروپا مثل پیام در لندن با طیف وسیعی از موضوعات و جهت گیری ها و نیز نویسندگان و مخاطبانی حتی در داخل مناطق کردنشین ایران، عامل دیگری است که زمینه گسترش ناسیونالیسم قومی را در این مناطق مورد توجه خود

قرار داده است. به عنوان مثال در برنامه های متنوع شبکه ی ماهواره ای کردهای ترکیه که از کشور بلژیک پخش می گردد و با توجه به استراتژی این گروه در دست یابی به هدف کردستان بزرگ (یکپارچگی مناطق کردنشین کشورهای هم جوار منطقه) طیف وسیعی از موضوعات فرهنگی و سیاسی مربوط به این مناطق به صورت مصاحبه و گزارش و موسیقی و ... جلوه یافته و معمولان برخی نخبگان کرد ایرانی به عنوان برنامه ساز، مجری، مصاحبه گر، مصاحبه شونده، و غیره در این برنامه ها حضور یافته و در بعضی برنامه های زنده و مستقیم برخی بینندگان از بین کردهای ایرانی اقدام به برقراری و ارتباط تلفنی با این شبکه می نمایند که به صورت زنده پخش می گردد.

ضمن آنکه بسیاری از مطالب و مقالات ارسالی برای آن نشریات از طرف برخی نویسندگان ایرانی صورت می گیرد که به عنوان نمونه تنها در یک شماره نشریه «رامان» (منتشره در اربیل) و یا «ناینده» (منتشر در سلیمانیه) بیشتر از نیمی از مطالب این نشریات توسط کردهای ایرانی به تحریر درآمده است! باین اوصاف توجه به مطبوعات محلی در کردستان و مناطق کردنشین ایران جایگاه ویژه ای می یابد که می تواند ضامن منافع ملی ما و البته رعایت حقوق مردم منطقه باشد. به خصوص آنکه در نظر داشته باشیم به جز چند

نشریه (۴ نشریه: سیروان، آیدیر، سروه، ناوبنه) آنها هم به صورت هفته نامه و دو هفته نامه و ماهنامه و چند ساعت برنامه رادیویی و تلویزیونی در زمینه توجه به فرهنگ های بومی تلاش زیادی در ایران صورت نگرفته است.

گسترش کمی و کیفی مطبوعات محلی انحصار اطلاع رسانی را محدود می نماید (این انحصار می تواند در دست رسانه های دولتی مانند رادیو و تلویزیون رسمی کشور و رسانه های آن طرف مرزها باشد). در هر حال ظهور مطبوعات مستقل زمینه ی گسترش جریان آزاد آمد و شد اطلاعات را تقویت می نماید. این وضعیت ضمن آشکار نمودن کمبودها و نارسایی های منطقه ای و محلی در ابعاد مختلف توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مناطق

آیا وجود اقوام متعدد در سرزمین و کشورمان ایران خود می تواند به لحاظ منافع ملی نگرانی زا باشد؟

توجه به مطبوعات محلی در شرایط کنونی کشور و منطقه قاعدتاً حامی منافع دراز مدت و کوتاه مدت کشور خواهد بود و البته باید بر اساس برنامه ریزی های به عمل آمده در راستای استراتژی «ایران برای ایرانیان» خاتمی، برنامه مدونی را در این زمینه مهیا نمود

کردنشین، خود می تواند به شفاف کردن خواسته های مختلف مردم منطقه بیانجامد و حتی می تواند در تنویر و جهت دهی به افکار عمومی مردم منطقه در راستای منافع ملی شدیداً اثر گذار باشد. تجربه هفته نامه سیروان موید این نکته می باشد. شروع به کار این هفته نامه با حداقل امکانات و نیروی انسانی توانست زمینه ساز شکل گیری جریانی از روشنفکران مستقل و اصلاح طلب در منطقه باشد که شدیداً بر افکار عمومی منطقه اثر گذاشت که از آن جمله انتخاب دکتر جلالی زاده مدیر مسئول سیروان و خالد توکلی به عنوان یکی از نویسندگان هفته نامه سیروان از حوزه های سنج و سقز و بانه به عنوان نمایندگان مردم که بی تردید به صورت نسبی تحت تاثیر این جریان بوده است.

ضمن آنکه همین جریان توانست نقطه نظرات خود را در رسانه های ملی (روزنامه های دوم خردادی) با تمام مردم کشور در میان بگذارد. بنابراین توجه به مطبوعات محلی به صورت گسترده تر با موضوعات فرهنگی، سیاسی، ادبی، اقتصادی و اجتماعی و دینی می تواند این تاثیر گذاری راعمیق تر سازد. از دیگر سو توجه به مطبوعات محلی یعنی توجه به حقوق قانونی مردم و توجه به حقوق مردم زمینه ساز شفاف شدن انتظارات حاکمیت از مردم خواهد بود. براساس اصل پانزده قانون اساسی زبان های محلی می تواند در کنار زبان رسمی کشور مورد توجه قرار گیرد و سایر اصول قانون اساسی نیز به نوعی به سایر حقوق مردم اشارات و توجهاتی داشته است. حال اگر مطبوعات محلی با تنوع دیدگاه ها و نگرش ها گسترش یابند به این معنا خواهد بود که هم تکرر را پذیرفته ایم و هم حقوق مردم را ادا کرده ایم و البته این حق تا آنجا استمرار خواهد یافت که ضامن منافع ملی بوده و نافی قوانین رسمی کشور نباشد.

بنابراین مردم و روشنفکران منطقه می توانند (و باید) دیدگاه ها و نگرش های خود را از طریق این نهاد واسط بین مردم و حاکمیت مطرح نموده و بدین ترتیب آزادی بیان و مطبوعات در چهار چوب منافع ملی فعلیت یافته و این خلاء مطبوعاتی نیز پر می شود ضمن آنکه برای بیان دیدگاه ها استفاده از ابزارهای غیر قانونی یا معایر با منافع ملی شدیداً کاهش می یابد.

از دیگر سو گسترش مطبوعات محلی در مناطق کردنشین زمینه ساز اطلاع رسانی گسترده تر درباره ویژگی های فرهنگی و اجتماعی مناطق کردنشین کشور بوده و واقع بینی را در این باره افزایش خواهد داد. فرهنگ کردستان و مناطق کردنشین، شاید در اذهان بسیاری از مردم ایران

و مسئولان کشور و حتی نخبگان فرهنگی و فکری (بواسطه نقش گسترده مستشرقین در این زمینه) فرهنگی واحد و یک دست از نظر گاه زبانی، مذهبی، آداب و رسوم و پوشش و هنجارها به اذهان متبادر می گردد، درحالی که در دل مناطق کردنشین ده ها و صدها خرده فرهنگ خاص و ویژه را می توان شناسایی و معرفی نمود. تفاوت گسترده زبانی بین گویش های مختلف زبان کردی (که گاه برخی زبان شناسان از زبان های کردی و نه زبان کردی سخن می گویند) و نیز تفاوت های مذهبی (شیعه، سنی، اهل حق و شعبات فرقه ای هر یک) و سایر تفاوت های فرهنگی از جمله این ویژگی ها است. لذا در عرصه عمل سیاسی و اجرایی مسئولان می توانند با دید منطقی تر و بازتری درباره مسائل منطقه حکم صادره نموده و سیاست گذاری نموده و ثمرات بیشتری متوجه منافع ملی نمایند.

براساس آنچه گفته شد توجه به مطبوعات محلی در شرایط کنونی کشور و منطقه قاعداً حامی منافع دراز مدت و کوتاه مدت کشور خواهد بود و البته باید براساس برنامه ریزی های به عمل آمده در راستای استراتژی «ایران برای ایرانیان» ریاست جمهوری، برنامه مدونی را در این زمینه مهیا نمود تا اولاً در گسترش مطبوعات محلی بیش از پیش منافع ملی به صورت شفاف و روشن مورد توجه و اهتمام قرار گیرد و این مهم باز یچه مطامع جناحی و بانندی نگردد. (چنانچه تاکنون وابستگان برخی جناح ها چنین کرده اند!).

ثانیاً تربیت نیروی انسانی متخصص در منطقه از طریق آموزش های ویژه مورد توجه قرار گیرد.

ثالثاً زمینه سرمایه گذاری مطمئن در زمینه مطبوعات محلی فراهم آید.

رابعاً زمینه گسترش صنعت چاپ در منطقه مهیا گردیده و خامساً کمک های ویژه مالی و بارانه ای در اختیار متقاضیان تاسیس نشریه در منطقه قرار گیرد تا از این طریق شاهد رونق و گسترش مطبوعات محلی و بومی باشیم. آیا در این مقطع حساس این مهم یعنی گسترش توجه به مطبوعات محلی دست یافتنی است؟

در برنامه های متنوع شبکه های ماهواره ای کردهای ترکیه که از بلژیک پخش می گردد و با توجه به استراتژی این گروه در دست یابی به هدف کردستان بزرگ (یکپارچگی مناطق کردنشین کشورهای هم جوار منطقه) طیف وسیعی از موضوعات فرهنگی و سیاسی مربوط به این مناطق به صورت مصاحبه و گزارش و موسیقی و ... جلوه یافته و معمولاً برخی از نخبگان کرد ایرانی به عنوان برنامه ساز، مجری، مصاحبه گر، مصاحبه شونده، و غیره در این برنامه ها حضور دارند